

کفتار دوم

افکار بزرگان در باره بچه و عالم بچگی

بل ازینکه شروع بدگر قواعد و شرایط تربیت
بچگان کنم لازم میدانم که در باره خود بچه
و عالم وی و وظایف بزرگها در حق او شمه از
افکار حکما و ادبای معروف را ترجمه کنم. در مملکت



ما که هنوز افراد مردها و بخصوص طبقات پائین ملت از بسیاری از
حقوق محرومند و در کشوری که طبقه زنان که پایه حیات اجتماعی
است هنوز فرقی با امتعه و اجناس ندارند و بلکه غالباً معامله
حیوانات با ایشان میکنند، حرف زدن از حقوق بچه قدری غریب
بنظر خواهد آمد و مسئله بسیار عجیب او بخارق العاده تلقی خواهد
شد. البته این غرابت از جهالت ماست و گرنه بچه نیز حقوقی دارد
و وظایف مانسبت باو بیشتر و مسئولیت ما هم سنگینتر است چونکه
بچه نه بر حقوق خود واقف است و نه آرا مطالبه و مدافعه
میتواند. کند و لهذا مظلومترین افراد است.

غالباً پدر و مادر تصور میکنند که در باره بچه های خودشان
آزادی مطلق دارند و هر چه میخواهند میتوانند در حق آنان بجا

بیاورند چونکه بچه مال ایشان است. البته کسی این را انکار ندارد که بچه مال ایشان است اما باید فهمند که بچه يك چیز مادی و متاع بازاری و یا يك بازیچه و آلت کار نیست بلکه برای خود يک شخصیت و يك سرنوشت و يك روح دارد. او نهالی است که بزودی درخت تناوری خواهد شد، غنچه ایست که بعدها خواهد شکفت و ستاره ایست که در وقت مهین خواهد درخشید. گرچه بچه هنوز تکالیف و وظایفی ندارد و جز پیروی شعور غریزی و قانون طبیعت کاری از وی ساخته نیست ولی این بی تکلیفی او حقوقی را که در گردن پدر و مادر و سایر مردم دارد سلب نمیکند و مثلاً تغذیه و حفظ کردن او از آفات و صدمات گرچه خودش هم قهمد بر همه واجب است.

در مملکت ما پس از طبقه نسوان طبقه بچگان مظلومترین مخلوقات هستند چونکه حفظ حقوق اینها بر عهده همین نسوان و مادران است که خودشان هم محروم از حقوق و هم غرق در جهالت میباشند. پس از چندین قرن زیستن در بند جهالت و ظلم و اسارت، امروز تازه چند قبری در میان ملت ایران پیدا شده که صدای اعتراض بر غصب حقوق زن بلند کرده و گاهی قهمیده و یا قهمیده دم از تساوی حقوق مرد و زن میزنند و وضع حالیه زنان ایران را مخالف انسانیت و دیانت و عدالت می شمارند! نمیدانم چند قرن دیگر باید طول بکشد تا چند قبری هم بی بحقوق بچگان ببرند و منافع طبیعی و حقوق انسانی این نونهالان معصوم را مدافعه کنند.

انسان بهر يك از اوضاع جگرخراش ایران دست میزند و کنجکاوی میکند باز در دست آخر ریشه همه بدبختیها را در جهالت می بیند. اگر پدران و مادران بهره از علم و معرفت داشتند

و اگر می‌میدند که چه تکالیف مقدسی در بارهٔ اولاد خود دارند و اگر ادراک مینمودند که بچه داشتن و او را پروردن و بزرگ کردن چه عظمت و مسئولیت بزرگی دارد یقیناً جز آن رفتار مینمودند که حالا میکنند. اولیای دولت را هم نمیتوان مؤاخذه نمود چونکه ایشان هم در آغوش این قبیله پدران و مادران بزرگ شده‌اند و کسی هم این حقایق را بایشان یاد نداده است. لیکن امروز همه باید بدانند که پایهٔ ارکان حیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ملت‌ها بر دوش بچگان گذاشته شده و زمامداران آئینهٔ مملکت و کشتی‌ان سفینهٔ حیات ملت همین بچگان معصوم و بی‌اقدار امروزی خواهند شد و لهذا سعادت ملت بسته بتربیت ایشان است.

باری چنانکه گفتم خوب است ببینیم دانشمندان و سطحی‌سرایان بزرگ ملت‌های غرب در بارهٔ بچه چه گفته و چه سروده‌اند تا تکالیف ما در حق این غنچه‌های نو شکفتهٔ بشر معلوم شود:

۱ — در هر بچه يك معمای حیرت بخش پنهان است

(شومان)

۲ — قوهٔ ایمان و عصمت را تنها در بچه‌ها میتوان پیدا کرد.

(دانت)

۳ — نگذارید بچه‌ها آتشکهای فلان و آن بزنند چونکه بازان

زیاد غنچه‌ها را خراب میکند.

(ژان بول)

۴ — ای عهد بچگی که سرشار از احساسات دناواری بودی!

ای عهد نازنین! چقدر من تو را درین طوفان جهانگیر یاد میکنم.

بسا چیزها که در آغوش شب تاریک زندگانی از دیدهٔ نهان شده

است اما تو از دور مانند ستارهٔ بامداد هنوز میدرخشی و روشنائی

(سالیسی)

می‌بخشی!

۵ — در آنجا که بچکاتند يك عهد زرین سلطنت میکند.

(نووالیس)

۶ — يك جفت چشم بچکانه و يك روز بهاری، دو نعمت آسمانی هستند که قلب انسان خود را برای همیشگی از آنها سیراب میتواند کند.

(لونگ فلو)

۷ — ای دهان پاك بچه! بر تو سلام باد! ای خنده‌ی آلاش که رنجهای تلخ زندگانی را شیرین می‌سازی! هنوز حرفهای تو مانند جلوه‌های آسمانی در دل کوچک تو می‌شکوفد و هنوز گرانبهارین اشیاء عالم یعنی شادی با خطوط روشن در آینه‌ی سیمای تو تجلی میکند.

(رایتر)

۸ — آیا بهتر از معصومیت بچگان که برای ما يك آینه میباشد چه چیز ما را بیشتر متأثر میتواند کند و آیا بالای این شادی پاك که روح بچه در آن کاملاً ظاهر می‌شود و با کمال معصومیت بوسیله چشمهای او حرف می‌زند چه ذوقی تصور توان کرد؟

(یاکوبی)

۹ — ای ذوق عالم بچگی! تو مسرتهای پاکی را که از آسمان فرو می‌ریزند با شوق کامل میمکی! هر صدای تو يك نوید مسرت و هر خنده‌ی تو يك شکران آتشین است.

۱۰ — بچگی برای خود اسرار و غرابی دارد اما کیست که بتواند آنها را حکایت کند و آنها را تفسیر نماید. ماها همه از میان این جنگل خموش آباد سیاحت کرده‌ایم! ماها همه یکوقتی چشمهای خود را با ذوق روحی باین جنگلستان باز کرده‌ایم حقیقت دلربای زندگانی روح ما را هم وقتی غرق امواج خود ساخته بود در آنوقت دلهای ما مانند آسمان بهاری روشن و مانند

کلهای بنفشه تر و تازه و مانند بامداد روز عید خاموش و مقدس بود!

(ماکس موللر — او کسفورد)

۱۱ — آیا دنیا بچه درد میخورد اگر در وی چشمان بچه‌ها دیگر نمی‌خندید. بلی آنوقت پشت سر ما يك پیا بان بی آب و گیاه و هولناك تر از شب مرگ نمایان میگشت. (لونگ فلو)

۱۲ — بازی کن ای بچه! در آغوش مادر، درین جزیره مقدس، غمها و دردهای تاریك تو را پیدا نخواهند کرد. بازوان مادر با کمال مهربانی تو را در بالای پرتگاه زندگی حفظ خواهند نمود و در مقابل این گرداب مواج، تو معصومانه خواهی خندید! (شیلر)

۱۳ — آه چقدر شیرین است مکیدن اذواق جهان وقتی که نهال دل و حس با هم شکوفه در آورده باشند! اما با چشمان معصوم تو، ای نور دیده من، جهان را یکبار دیگر تر و تازه دیدن از آنهم شیرین تر است. (گایل)

۱۴ — آن نویدها که روح يك بچه با هر نگاه بما می‌بخشد، یقیناً فصل بهار از حیث امید بهای او نمیرسد. چنانکه يك بنفشه در ماه فروردین ورود بهار را بخر میدهد همچنین، ای دل مادر، بچه تو برای تو بهاری می‌آورد. این بچه بزرگ خواهد شد و خواهد شکفت و در روی زمین بهار مخصوص و نومی برای تو خواهد آفرید. (ه. هوفمان)

۱۵ — ای بچگان، ای نازنینان کوچک و دلشاد که با تقلید مردان بزرگ بازی میکنید، اگر از دردهای زندگی گانی خبر میداشتید، از ته دل بچه میماندید. (بورنس)

۱۶ — ای مادر، نور دیده خود را گرم نگاهدار که دنیا روشن ولی سرد است. تو او را در آغوش خود و در بالین دل خود

محفوظ نگاهدار. (۱. برتانو)
 ۱۷ — بچه‌ها يك معمای خدائی هستند که حل آنها از همه



بچه و مادر
 Mother and Child

سخت‌تر است. اما اگر محبت، خود را مطیع سازد این معماها را
 هم حل می‌تواند کند. (هه‌بل)
 ۱۸ — اگر هیچ‌گونه شادی دل تو را سیراب نمی‌کند و اگر

دل تو دارد از درد و غم یاره می‌شود، پس با نگاههای ساکت
بدیدگان بچه خود تماشا کن. در اعماق این چشمها دردهای
هزارلای زمینی نابود می‌شود و ازین چشمها يك آسمان روشن
نمایان میگردد که تو هرگز تصور آن را نمی‌توانستی کرد.

(شهر ر)

۱۹ — هیچ چیز دلرباتر ازین منظره نیست که يك بچه
با گرمی و اطمینان کامل و بانگاههای پراز ذوق و شادی در
آغوش مادر خود غنوده باشد. (کورور)

۲۰ — در همهٔ زمانها زیباترین و جاذبترین پردهٔ نقاشی
عبارت از آن یکی بوده که بچه را در کنار مادرش تصویر کرده
است. در مقابل این تصویر، هر انسان، خواه مرد و خواه زن
يك تماس با عالم علوی روحانی در قلب خود احساس میکند.

(آلبرت کوروی)

۲۱ — خندهٔ مادریکه دلش پر از محبت آتشین است، يك
نعمه تشکیل میدهد که در تمام دوره‌های زندگانی اهتزازات آن
نعمه نمود می‌نماید. (اوتو فون لایکسندر)

۲۲ — همینکه بچه یا بچمان گذاشت او را بمادرش نشان
دادند. چشمان بوی پاره از اشک شادی شد و با طرز عجیب و
مخصوصی میدرخشید و میگفت: با ذوق همهٔ دردها را تحمل کردم
و باز هم، ای جگرپارهٔ من، بسیار دردها را برای خاطر تو
فوش خواهم کرد. آیا محبت از رنج و درد و زندگانی هم از
محبت زیست نمیکند؟ (شامیسو)

۲۳ — ای مخلوق عجیب و پاکدل که در گهواره می‌جنبی!
آیا با میل خودت از آن دروازهٔ دور خود را بچهان ما انداختی؟
آیا درین حال که چشمهای کبود و درخشان تو در نور سیده‌دم

زیرین تبسم میکند از آن عالم و از آن عشق بهشتی خواب می‌بینی؟
عشق تو را خوش آمد گفت، عشق تو را باغوش خود گرفت و
عشق بخواب شیرین تو با کمال دقت مواظبت میکند. شادی و غم
این سرزمین، استراحت شیرین تو را بهم نمی‌زنند. وقتیکه بتو نگاه



رساله علم‌الاشیاء
بچه و روح او

Child and his Soul

میکنیم ایمان معصومانه و احساس بچگانه ما را احاطه میکند،
ای اعجوبهٔ کوچک پاک و گهواره نشین! (ترهزه کوستلین)
۲۴ — روح بچه را از افراط در محبت و رقت محافظت
باید کرد چونکه اینحال او را زود رنج و خشم‌جو و بداخم

می‌سازد. همچنین بر او نباید سخت و بیش از اندازه زیر مراقبت گرفت چونکه آنوقت هم بزبونی و اسارت و زیردستی خو میکند. بلکه تا میتوان روح او را شاد و دارای جوشش و شوق نگاه باید داشت. (افلاطون)

۲۵ — بگذارید بچه‌هایتان از ایام صباوت درخشان خودشان پادهای پر از شادی داشته باشند. این خاطرات برای پاره از مردم یگانه عهد سعادت حقیقی را در زندگانی تشکیل میدهد. بگذارید این پادها مانند ستاره درخشانده روزهای واپسین و تاریک ایشان را روشن سازد. (سوفی فرنس)

۲۶ — با صبر و تحمل فرزند خودت را دوست دار، آنوقت زندگانی او روشن و زرین خواهد شد. (ا. ویلبرات)

۲۷ — هر يك نگاه که بدون محبت بیرون می‌فرستیم و هر يك گله که آغشته با قهر از ذهن خود بیرون می‌دهیم در دل تو شکفته بچه يك قطره زهر می‌گردد که ما آنرا نمی‌بینیم. (ف. زدویتز)

۲۸ — تا آروز که تو با بچه‌ها بچه میتوانی بمعانی کلید بهشت هم در دست تو خواهد ماند. (هبل)

۲۹ — زلفیکه بچه دارد و از کدورت و ملال شکایت میکند شایسته تحقیر است. (ژان پول)

۳۰ — اغلب پدران و مادران پرسش‌های بچگان خود را بجدیت گوش نمیدهند و فکر نمیکنند که در پشت سر هر پرسش يك قوه روحی میدان فعالیت برای خود موجود (شارلمان)

۳۱ — تربیت بزرگترین مسئله و سخت‌ترین وظیفه انسانهاست. (کانت)

۳۲ — هیچ چیز خدائی‌تر از تربیت نیست. بوسیله تربیت است که آدمیزاد انسان حقیقی می‌شود. (افلاطون)

۳۳ — بزرگترین اسرار تربیت این است که مرد بطوری اشتغالات بچه را اداره نماید که ورزشهای بدنی و دماغی بچه همیشه بهم‌دیگر یاری کند و بحفظ میزان اعتدال و صحت بچه خدمت نماید.
(روسو)

۳۴ — زیبایی ساختمان عالم، بقدر دو چشم بچه که با کمال نیاز بسوی تو معطوف شده‌اند، دل انسان را پر نمیتواند کند.
(لوهمایر)

۳۵ — در هر صدای احتیاج، مادر بگهواره بچه خود می‌شتابد و در ساعات گرسنگی، پیش او میدود و در موقع تشنگی او را سیراب میکند. همینکه بچه صدای قدمهای او را میشنود ساکت و آرام می‌شود و همینکه او را می‌بیند دستهای کوچک خود را بسوی او دراز میکند. در سینه او چشمانش میدرخشد. مادر و سیر شدن برای او یگانه اندیشه است. نغمهای محبت و اطمینان و شکران بزودی در دل وی سر می‌زند. او صدای قدمهای مادر را میشناسد و بسایه او میخزد و هر کسرا که شبیه به مادرش است دوست میدارد و در نظر او خوب دیده می‌شود. او بشکل و قیامت انسان تبسم میکند، هر که را که مادرش دوست دارد او نیز دوست میدارد و هر کرا که مادر بیوسد او نیز میبوسد. (پستالوجی)

۳۶ — چشمان بچه ستارگان توین است. تبسم بچه نغمه مرغان است و لبهای بچه عطر گلهاست. ای روح من پیش ازین چه میخواهی؟ اگر میخواهی مسرت پاك درین دنیای سراب تنفس کنی، ستارگان و مرغان و گلها را جستجو کن یعنی بحجله بچه قدم گذار.
(پاول آلبرس)

۳۷ — يك بچه شیرین در يك خانه برای ما نان روزانه و مایه وقت گذرانی است. او برای ما روزهای دراز را کوتاه

میکند و با هزار حرکات بچگانه خود افکاری را که خون ما را
غلیظ میکنند سالم می‌سازد و شفا می‌بخشد. (شکسپیر)

۳۸ — درد و غم هر قدر میخواهد باشد، هیچ چیز برای
ما بهتر و امیدبخش‌تر از چشمان بزرگ بچگان کوچک نیست.
اگر در روی زمین کلهای رنگارنگ ریخته نداشت و اگر نسیم
بچگان روح‌مارا خوش و قوی نمیساخت نمیدانم درین دنیا چه کار
میکردیم. (ی. تروژان)

آیا وقت آن فرسیده است که در مملکت ما نیز انجمنهای
حمایت و تربیت اطفال تأسیس شود و وزارت معارف ما درین زمینه
قدمی بردارد و ادبا و نویسندگان ما ازین منبع فیض علوی قریحه
خود را تغذیه کنند و از بدایع این عالم معصومیت و علویت افراد
دیگر را سرمست سازند؟

